



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام مرتضی اسدیان	جلسه	۶۲	تاریخ	۱۴۰۰/۱۱/۱۹
عنوان اصلی درس	نماز مسافر				
عنوان دوم	شرائط وجوب تقصیر				
شرط اول	قطع مسافة				
شرط دوم	قصد مسافة				
شرط سوم	استمرار قصد				
شرط چهارم	سفر، سفر معصیت نباشد				
عنوان فرعی	مطلب سوم: مصداق دوم: سفر الزوجة مع نهی الزوج				

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین

بحث ما در مصداق دیگری از سفر معصیت بود و آن سفر الزوجة بغیر اذن زوجها بود.

گفتیم در این باره در چند جهت باید بحث شود.

جهت اول: این بود که آیا اساساً اطاعت زوجه از زوج مطلقاً واجب است یا خیر؟

گفتیم باید بینیم دلیل آن چیست و گفتیم روایاتی وجود دارد که باید بحث کنیم.

روایت اول: صحیحۀ محمد بن مسلم بود که گفتیم به دلیل اشکالاتی که در مضمون روایت وجود دارد و داستان، داستان واحدی است و نمی شود بگوییم در برخی حجیت دارد و در بعضی دیگر حجت نیست لذا با توجه به وجود خلل در برخی از عبارات روایت این روایت از حجیت ساقط است زیرا در برخی از مقاطع با کتاب و سنتی که می توان حکم قطعی از آنها استفاده نمود متنافی است.

روایت دوم: روایت مرحوم کلینی رحمته الله

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنْ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم خَرَجَ فِي بَعْضِ حَوَائِجِهِ فَعَهَدَ إِلَى امْرَأَتِهِ عَهْدًا أَنْ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا حَتَّى يَقْدَمَ قَالَ وَإِنْ أَبَاهَا قَدْ مَرَضَ فَبَعَثَتْ الْمَرْأَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم تَسْتَأْذِنُهُ أَنْ تَعُودَهُ فَقَالَ لَا اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَأَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَتَقُلْ فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ ثَانِيًا بِذَلِكَ فَقَالَ اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَأَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَمَاتَ أَبُوهَا فَبَعَثَتْ إِلَيْهِ أَنْ أَبِي قَدْ مَاتَ فَتَأْمُرْنِي أَنْ أَصِلَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَا اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَأَطِيعِي زَوْجَكَ قَالَ فَذَفِنَ الرَّجُلُ فَبَعَثَتْ إِلَيْهَا رَسُولُ

اللَّهُ ﷻ أَنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَلِأَبِيكَ بِطَاعَتِكَ لِرَوْجِكَ؛ وَرَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ نَحْوَهُ^۱؛

این سند که عبدالله بن قاسم حضرمی در آن است، به سبب همین راوی ضعیف است زیرا توثیق ندارد لکن عین همین روایت را مرحوم صدوق رحمته الله به سند صحیح روایت می کند باسناده عن محمد بن ابی عمیر عن عبدالله بن سنان و اسناد او به محمد بن ابی عمیر اسناد صحیحی است و محمد و عبدالله هر دو از أجل ثقات هستند. پس این روایت سند صحیح دارد.

در روایت آمده است که یکی از انصار برای سفری رفت پیمان گرفت از همسرش که از خانه بیرون نرود تا اینکه از سفر برگردد، عجب زن مؤمنه ای بوده، که کسی را می فرستد تا از حضرت اجازه بگیرد که به عیادت پدرش برود؛ حضرت می فرماید که نه نو و در منزل بمان؛ مرض پدر شدید شد دوباره شخصی را فرستاد تا اجازه خروج بگیرد، باز هم حضرت فرمودند در منزل بمان؛ پدر از دنیا رفت پس کسی را فرستاد که پدرم از دنیا رفت اجازه می دهید نماز بر او بخوانم؛ در آخر پدر دفن شد این دفعه رسول خدا شخصی را فرستاد برای او که خداوند متعال تو و پدرت را به دلیل اطاعت از همسرت بخشید.

در این روایت «أَطِيعِي زَوْجَكَ» وجود دارد و ممکن است کسی بگوید که این دلیل بر آن است که اطاعت زوج مطلقاً واجب است حتی در جایی که مثل این موارد پیش می آید که پدر در شرف موت باشد و حتی برای نماز بر جنازه پدر هم حضرت فرمود: «أَطِيعِي زَوْجَكَ» پس روایت دلالت بر اطاعت مطلق دارد و سندش هم صحیح است پس می توان گفت اطاعت زوج مطلقاً واجب است.

لکن اشکالی بر این استدلال وارد است که:

این روایت بیش از این را نمی رساند که اگر زوج نهی از خروج کرد لایجوز و يجب اطاعته؛ و مورد روایت دال بر همین است فقط زیرا می گوید: «فَعَهْدٌ إِلَى امْرَأَتِهِ عَهْدٌ أَنْ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا حَتَّى يَقْدَمَ» اگر زوج عهد هم گرفته و نهی کرده از خروج از بیت می توان گفت به این مقدار دلالت می کند و می گوییم اگر زوج نهی کرد از خروج لایجوز علیها الخروج و این موارد هم که مرض الاب و... از امور ضروریه نیست لذا حضرت اجازه نداد. پس دلالت مطلق ندارد و صرفاً بر نهی عن الخروج عن البيت دلالت دارد.

بنابراین این روایت لاتدل بر وجوب اطاعت زوج بر زوجه مطلقاً؛ بلکه لاتدل حتی علی وجوب الاستئذان، زیرا بیش از این نمی رساند که اگر نهی کرد لایجوز الخروج اما اینکه اذا اراد الخروج يجب علیه الاستئذان این را هم نمی رساند پس حد دلالت این روایت حد دلالت آن حد عدم جواز مخالفت زوج است در خروج از بیت اذا نهی زوجته عن الخروج من البيت. مضافاً بر اینکه در این روایت «فَعَهْدٌ إِلَى امْرَأَتِهِ» آمده و نه «عاهدها» فرق در این است که «فَعَهْدٌ إِلَى امْرَأَتِهِ» فقط امر را می رساند و نه بیشتر از این؛ در قرآن کریم آمده است که: ﴿وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهْرًا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾^۲؛ و خود آیه هم تفسیر این «عهدنا الی» را می آورد که امر کرد؛ «عاهده» یک التزام طرفینی است و مانند عقد

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب النکاح، ابواب مقدمات النکاح، باب ۹۱، ح ۱.

۲. سورة بقره: ۱۲۵.

است اما «فَعَهْدٌ إِلَيَّ» یعنی این به آن گفت و بر بیشتر از این دلالتی ندارد و لذا این عبارت در روایت بیش از نهی را نمی‌رساند.

روایت هم سنداً و هم دلالتاً مورد قبول است اما دلالت آن قاصر است از اینکه اثبات کند دلالت وجوب اطاعت زوجه از زوج را مطلقاً.

روایت سوم: روایت کلینی رحمته الله

«وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم يَوْمَ النَّحْرِ إِلَى ظَهْرِ الْمَدِينَةِ - عَلَى جَمَلٍ عَارِيٍّ الْحُسَمِ فَمَرَّ بِالنِّسَاءِ فَوَقَفَ عَلَيْهِنَّ ثُمَّ قَالَ يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ وَأَطِيعْنَ أَزْوَاجَكُنَّ فَإِنْ أَكْثَرُكُنَّ فِي النَّارِ فَلَمَّا سَمِعْنَ ذَلِكَ بَكَينَ ثُمَّ قَامَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ مِنْهُنَّ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم فِي النَّارِ مَعَ الْكُفَّارِ وَاللَّهِ مَا نَحْنُ بِكُفَّارٍ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم إِنَّكُنَّ كَافِرَاتٌ بِحَقِّ أَزْوَاجِكُنَّ»^۱

این روایت هم از لحاظ سند صحیح است و همه رجال آن ثقات هستند و جای بحثی در آن نمی‌ماند. مراد از یوم النحر عید قربان است و ظاهر این است که برای اقامه صلاة العید بوده است که مراد از ظهر المدینه یعنی خارج شهر بر یک شتری بدون زین و بدون اینکه چیزی روی آن شتر انداخته باشند پس جمعی از زنان ایستاده بودند وقتی به آنها رسید حضرت توقی فرمودند سپس فرمودند که ای گروه زنان صدقه بدهید و از همسرانتان اطاعت کنید که اکثر شما جهنمی هستید. وقتی اینگونه شنیدند به گریه افتادند سپس یکی از آنها بلند شد و گفت یا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم همراه کفار در آتش هستیم؟ ما که کافر نیستیم! رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند که شما کافر به حق زوج هستید. بنابراین در این روایت می‌توان اینگونه ادعا نمود که عبارت «أَطِيعْنَ أَزْوَاجَكُنَّ» مطلق است و دلالت بر وجوب اطاعت زوجه از زوج مطلقاً دارد الا فی معصیه الله که استثناء معلومی است چون اولاً امر ظهور در وجوب دارد ثانیاً مطلق است پس دلالت بر وجوب اطاعت زوجه از زوج دارد.

اما مع ذلک در مضمون روایت اشکالاتی است که روایت را از حجیت خارج می‌کند و لایمکن التمسک بهذه الروایة اطلاقاً.

اشکال اول

با توجه به اینکه خود روایت می‌گوید اینها مؤمنات بودند؛ با توجه به اینکه خطاب هم معلوم است و فرموده‌اند «يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ» که در این صورت کل نشاء مؤمنات همه باید به جهنم بروند لأنکُنَّ کافرات بحق أزواجهن و به این شکل هم با روایات صحیحہ دیگر و هم با آیات مسلمة الدلالة در تعارض است. روایات داریم به سند صحیح که:

«رَوَى عَمَّا رَأَى السَّابَّاطِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَكْثَرُ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْمُسْتَضْعَفِينَ النِّسَاءِ عَلِمَ اللَّهُ عز وجل صَغَفَهُنَّ فَرَحَهُنَّ»^۲

با توجه به اینکه در روایت صحیحہ دیگری هم داریم که:

۱. همان؛ باب ۹۱، ح ۳.

۲. من لایحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۴۶۸.

«عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: اتَّقُوا اللَّهَ فِي الضَّعِيفِينَ يَعْنِي بِذَلِكَ الْبَيْتِ وَالنِّسَاءَ وَإِنَّمَا هُنَّ عَوْرَةٌ»^۱؛

پس اینکه می گوید: «فَإِنْ أَكْثَرُكُمْ فِي النَّارِ» چطور با اینها قابل جمع است؟ بنابراین تعارض روشنی دارد و به هیچ کل هم قابلیت جمع ندارد.

اشکال دوم

در تعلیلی است که برای «فَإِنْ أَكْثَرُكُمْ فِي النَّارِ» آورده شده است که: «إِنَّكُمْ كَافِرَاتٌ بِحَقِّ أَزْوَاجِكُمْ»؛ اما اگر کفر به حق ازواج اذالم یبلغ حد المعصية الكبيرة چه دلیلی داریم که موجب نار شود؟ یعنی اگر عصیان زوج در حدی باشد که زنا کند و معصیتی کبیره باشد بله؛ اما اگر حرفی گوش نکرده مثلاً گفته فلان چیز نخر رفته خریده حالا چیزهایی که در یک خانواده متعارفاً اتفاق می افتد یا... اینها جزء کبائر نیستند؛ خلاصه تا کفر به حق زوج اذالم یبلغ حد معصية الكبيرة لایوجب النار و این مستبعد است که بگوییم اکثر النساء عصیان زوج در حد معصیت کبیره مرتکب می شوند.

اشکال سوم

در عبارت «فَإِنْ أَكْثَرُكُمْ فِي النَّارِ» با توجه به اینکه نساء مومنات هستند زیرا در روایت است که آنها به گریه افتادند که ما کفار نیستیم چگونه همین ها «فَإِنْ أَكْثَرُكُمْ فِي النَّارِ» و این با آیات قطعية الظهور و الدلالة قرآن کریم در تنافی است نظیر آیه:

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۲؛

و این زنان هم مؤمن هستند و اگر بگوییم اکثر آنها اهل جهنم هستند این می شود تخصیص اکثر زیرا وقت یخدا می گوید «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ» و بعد روایت بگوید: «فَإِنْ أَكْثَرُكُمْ فِي النَّارِ» این تخصیص اکثر لازم می آورد و تعارض قطعی با قرآن کریم پیدا می کند و قابلیت جمع عرفی هم ندارد و چون تعارض پیدا می کند دیگر محلی نخواهد داشت.

و یا در آیه دیگری که وارد شده است:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۳؛

از این مؤمناتی که «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» را بگوییم: «فَإِنْ أَكْثَرُكُمْ فِي النَّارِ» دیگر چیزی در آن نمی ماند. همچنین قوله تعالى:

۱. کافی؛ ج ۵، ۵۱۱.

۲. سوره توبه: ۷۲.

۳. سوره احزاب: ۳۵.

﴿لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا﴾^۱

بنابراین این آیاتی که در قرآن کریم است را اگر با این روایت در کنار هم بگذاریم موجب تخصیص اکثر می شود و لذا این روایت از حجیت ساقط است و لذا لایمکن الاستدلال بهذه الرواية لاثبات وجوب طاعة الزوج مطلقا؛ این روایت از حجیت ساقط است.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ